

یادداشت

نگاهی به رمان

ماهی‌ها در شب می‌خوانند

یک رمان خیلی خیلی کوتاه

پدرام رضایی زاده

لازم نیست حتماً داستان‌های درخشان مجموعه «فردا می‌بینمت» سودابه اشرفی را –که هنوز در ایران منتشر نشده است– خوانده باشید تا به مهارت نویسنده‌اش در نوشتن داستان کوتاه پی ببرید؛ رمان «ماهی‌ها در شب می‌خوانند» نمونه‌دم‌دست‌تری است برای به تصویر کشیدن توانایی‌های اشرفی.
رمانی که ایجاز، چه در زبان و چه در روایت، باشد. جمله‌ها در رمان سودابه اشرفی کوتاه‌تر و فشرده‌تر از آن چیزی است که انتظارش را داریم؛ مثل یک داستان کوتاه خوب که هیچ جمله یا حتی کلمه‌اش توی ذوق نمی‌زند. فضاسازی او نویسنده و تصاویری که برایمان خلق می‌کند اما در مقابل دقیق و فوق‌العاده‌اند. من به یاد ندارم در سال‌های اخیر نویسنده‌ای توانسته باشد این دو را آن چنان با هم درآمیزد که نه نثر مطول و زبان مطوی اثر خواننده را کلافه کند و نه فضا و زمینه‌وقع حوادث آن چنان ناقص و ابتر طرح شوند که از مجموعه کلاری ناهمگون و ناتمام بسازند.
رمان اشرفی از این منظر رمانی است قابل تامل و جذاب که به‌رغم خوش‌خوان بودنش – به جهت تنوع در نوع روایت و نظرگاه داستانی – ضرابهنگ مناسبی دارد و از زبان به مثابه یک ابزار آن چنان بهره می‌برد که حتی بخش‌هایی از رمان که به شیوه جریان سیال ذهن روایت می‌شوند و فاقدتأ قابلیت آن را دارند که ریتم اثر را شکسته و خواننده را به مکث وادارند، هم روایت را دچار کنند و سکون نمی‌کنند و هم چنان آن را به پیش نمی‌برند. با این وجود آن رمان که ایجاز خود را تنها به نثر یکدست و پرداخته رمان محدود نمی‌کند و به حوزه روایت وارد می‌شود، نقش یک شمشیر دولبه را پیدا می‌کند. ماهی‌ها در شب می‌خوانند رمان شخصیت نیست. فصل اول و دوم رمان اگرچه این ذهنیت را به ما می‌بخشد که طلایه شخصیت محوری رمان است یا دست‌کم بهانه روایت خود او است، اما از همان لحظه‌ای که طلایه‌ها در «حال» رها می‌کند و به گذشته او نقیب می‌زند قراش را با خواننده می‌گذارد؛ که طلایه مستندماز و آن «سوم شخص محدود به ذهن» فصل اول – که در ادامه رمان جای خود را به «محدود به ذهن‌های دیگری» می‌دهد– فقط بهانه‌ای است برای نگاه کردن به آن برعه از زمان که نویسنده می‌خواهد و به دنبالش بازسازی

یک دوره تاریخی. چه کسی می‌تواند ادعا کند که پدر طلایه در فصل دوازدهم یا فرنگیس در فصل پانزدهم نقشی کم‌زن‌گ‌تر از طلایه‌ها در فصل خارج می‌گازد. او بیشتر قصه و باز کردن روزنه‌هایی تازه به رویمان به خصوص فرنگیس که شخصیت پردازی‌اش از شخصیت پردازی‌های مستند و محققانه است و همان آدمی است که از شخصیتی در سطح او در یک رمان امروزی انتظار داریم: خاکستری، پرنگ و درخشان. پدر طلایه و رفتارهایش اما به دلیل شکاف و خرابی‌ی که در شخصیت پردازی‌اش وجود دارد علامت سؤال‌های زیادی را در ذهنمان به جای می‌گذارد. در واقع خواننده هرگز نمی‌فهمد که دگرگونی و چرخشی که در شخصیت پدر طلایه رخ می‌دهد و او را از قالب یک پیت (پدران مغرور و مستبد و خودرایی که زیاد دیده‌ایم و درباره‌شان خوانده‌ایم) خارج می‌کند و جلوه تازه‌ای به او می‌بخشد، به چه دلیل و چگونه رخ می‌دهد (برخورد طلایه و پدرش را در فصل چهاردهم و کنار پره‌های کولر به یاد دارید؟)؛ از چربی خودکشی او که پایانی است بر انحطاط پرسوناژ پدر هم جز تک‌اشاره‌هایی گذرا، چیز دیگری نمی‌دانیم. به تمام این حرف‌ها اضافه کنید وضعیت دیگر شخصیت‌های فرعی – در سطحی پایین‌تر البته – رمان را: امیر، علی و سوگند که این آخری به‌رغم آنکه گاهی از سایه بیرون می‌آید اما اصرار نویسنده بر ناگفته باقی گذاشتن بخش‌هایی از روایت که در ذهنمان به‌ویژه برایمی‌گردد، او را تنهاپای تاریکی رها می‌کند. رمان ماهی‌ها در شب می‌خوانند ممکن است رمان ماجرا باشد. اینکه می‌گویم «ممکن است» از آن جهت است که نویسنده به این اصل هم چندان وفادار نبوده است. استراتژی اثرش را بر این مبنا طرح نکرده است. آنچه میان امیر و علی می‌گذرد و تاثیرش که این پرباردرکشی–خواره ناخواسته– بر خانواده طلایه و خود او می‌گذارد آن قدر پرسته هست که این رمان را به رمان ماجرا بدل کند. اشرفی اما با پرهیز از پرداختن به جزئیات واقعه و حتی بازسازی شخصیت این دو از اضافه کردن لایه‌های تازه‌ای به رمانش خودداری می‌کند. آنچه از امیر می‌دانیم چیزی نیست جز رابطه‌ای امنیع و پنهان با سوگند – که دانسته‌ها ی ما در باره این رابطه تنها در سطح باقی می‌ماند – و ترس او از چیزهایی در ظاهر کوچک و پیش پا افتاده که شاید تنها راهکاری باشد که اشرفی با طرافت برای معرفی و ساختن امیر به کار می‌گیرد. همین ترس‌های امیر و شخصیت متزلزل او علی‌رأ، که پیروزی انقلاب را باور ندارد، وای دارد نام برادرش را در لیست ساواک قرار دهد یا نزدیک کردن او به ساختار قدرت از حوادث احتمالی مصونش دارد. این روایتی است جذاب و تکان‌دهنده؛ اما همان‌گونه که اشاره شد عدم توجه نویسنده به نوع و عمق رابطه این دو برادر باورپذیری اشتباه علی را برای خواننده سخت و تا حدی غیرممکن می‌کند و مخاطب را این‌گونه سرگردان می‌سازد که «شخصیت ما ماجرا؟ مسئله این است!» اشرفی نویسنده موفقی است؛ در ساختن و به تصویر کشیدن پرشی از تاریخ، و تاثیرش که حوادث آن دوره بر ساختار یک جامعه و طبقات مختلفش گذاشته است، در قالب روایتی جذاب. با این وجود رمان – و نه داستان بلند– ماهی‌ها در شب می‌خوانند به‌رغم اصرار نویسنده‌اش بر محوریت نبخشیدن به طلایه و تمرکززدایی از او، همچنان مانند بسیاری از آثار دیگر نویسندگان مهاجر – گرفتار و در بند نوستالژی است. نویسندگانی چون بهرام مرادی و رضا قاسمی پیش از این نشان داده‌اند که با فاصله گرفتن از فضاهای نوستالژیک و نزدیک شدن به جامعه‌ای که در آن حضور دارند، چگونه می‌توان متفاوت بود و تکرار نشد و مورد توجه قرار گرفت. اشرفی در تعدادی از داستان‌های مجموعه فردا می‌بینمت ما را به شنیدن صدای متفاوت دعوت می‌کند. باید منتظر رمان بعدی او بمانیم. باید منتظر بمانیم. . .



تاریخ داستان‌نویسی ایران از آغاز تا به امروز دربرگیرنده مفاهیم و صفت‌هایی ریز و درشت بوده است که در بسیاری از موقعیت‌ها در نویسندگان یا بازخوردهایی متفاوت و عجیبی مطرح شده‌اند. این وضعیت باعث شده که بسیاری از این مفاهیم اغلب کلاسیک و روشن به صفت‌هایی برای اتهام، نکوهش و یا ستایش یک امر کارکردهای ادبیات و زندگی نویسنده می‌شناسیم بار و وصف ارزشی یا ضدارزشی یافته و گاه سرنوشت متن و فرد نویسنده را عوض کرده‌اند. محفل گرایي یا وابستگی‌های محفلی و گروهی یکی از این مفاهیم است که با ما به ازاهای دیگری مانند باند، گروه، حلقه و . . . نیز مطرح شده و می‌شوند. این پدیده که از روزگار صادق هدایت تا امروز دوران پرفراز و نشیبی را طی کرده است، اشاره به وضعیتی دارد که در آن نویسنده با توجه به وابستگی یا علاقه فکری، طبقاتی یا حزبی‌اش به یک محفل نویسندگان و هنرمندان تعریف می‌شود. در این تعریف نویسنده یا شاعر علاوه بر همسویی کلی با آرای دیگر افراد اغلب به صورت فیزیکی و بیرونی با آنها حشر و نشر دارد و از ایشان حمایت می‌کند. این پدیده که سابقه آن به قرن‌ها قبل بازمی‌گردد، به واسطه ورود تحصیلاترگان در فرنگ و تجدیدخواهی بعد از دوران مشروطه و قدرت یافتن احزاب چپ در ایران شکلی اصولی‌تر و مشخص‌تر پیدا کرده وگرنه محفل گرایی در تاریخ ادبیات کهن ایران هم امری شناخته شده بوده است و حلقه‌های شعری و ادبی فراوانی را می‌شناسسیم که شکل این گونه بوده‌اند. . . . در هر حال پدیده محفل گرایی یا محفلی بودن– به شکل مدرن‌تر آن – محصول سال‌های آغازین حکومت پهلوی اول و بعد از آن است. در این مفهوم روشن و آشکار نویسندگان، شاعران و اصحاب فرهنگی که از نظر دیدگاه‌های ادبی، هنری و به طور کلی جهان‌بینی به یکدیگر نزدیک‌تر بوده یک گروه را تشکیل می‌داده‌اند که در اغلب موارد دارای قوانین و اصول‌ناوشته و ثبت نشده‌ای بوده که اعضا ملزم به رعایت آن بوده‌اند. این وضعیت با گروه‌های شناخته شده ادبی مانند حامیان موج نو شعر بسیار تفاوت دارند زیرا همسویی ایشان تنها به دلیل شکل فکری‌شان در باب هنر بوده است و اغلب ایشان در نوع اجرا، روایت و ادبیات تفاوت‌های عمده‌ای با یکدیگر دارند. شاید مهم‌ترین نمونه نویسندگان محفلی در سال‌های آغازین ادبیات مدرن ایران گروه «اربعه» باشد که اعضای آن تنها در مقابله با تفکر سنت گرایان در کنار هم جمع آمدند وگرنه در دید و روایت ادبی با همدیگر تفاوت‌های غیر قابل‌ تردیدی داشتند. این کلیت در طول تاریخ ادبیات ایران به عنوان یک رفتار به حیات خود ادامه داده و شکل‌ها، و تانچ و وضعیت‌های گوناگونی را تجربه می‌کند. اما نکته‌ای که امروز با آن برخورد کرده و شاهد آن هستیم، اشاعه و درک معانی ضدارزشی و منفی‌ای است که در قبال نویسندگان محفلی وجود دارد. این پدیده که ویژگی اصلی آن «متهم کردن» بوده و این نویسندگان، منتقدان، شاعران و . . . را به وابستگی‌های گروهی متهم می‌کند یکی از آن سوءتفاهم‌های بی‌مبارگونه‌ای است که با علم کردن معانی نویسنده مستقل در برابر نویسنده محفلی ارزش را به اولی و ضدارزش را به دومی می‌بخشد. در این مقدمه چند نکته را در گزارش خود از این روند معیار قرار می‌دهم:

■ نویسنده محفلی کیست؟

همان‌طور که اشاره کردم محفل گرایی و همسو شدن بسیاری از چهره‌های ادبی– هنری برای ایجاد روند و صدایی تازه در پهنه ادبیات چیز جدید و خارق‌عادی نبوده است. همه ما خواننده یا شنیده‌ایم که اعم سبک‌های ادبی– هنری قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم در اثر همسویی و تلاش‌های فردی هنرمندانی به وجود آمده‌اند که به دنبال ایجاد وضعیتی متفاوت با شرایط خاص خود بوده‌اند. در عین حال و بدون در نظر گرفتن چنین موقعیتی بوده‌اند نویسندگانی که برای مقابله با صداهای غالب روزگار خود دست به یک ائتلاف محفلی زده و باب دیالوگ و بحث با آن صدای غالب را گشوده‌اند. پس با نگاهی تاریخ‌گرا می‌توان دریافت که مهم‌ترین مباحث نظری و بنیادین ادبیات و نقد از گروه‌هایی اغلب غیررسمی چهره‌هایی به وجود آمده که برای بیان فردیت و نظری‌شان نیازمند قدرتی برآمده از جمع بوده‌اند. این امر بدیهی و تاریخی (که آنقدر مصداق‌های گوناگون دارد که نیزی به اشاره به آنها نمی‌بینم) هیچ‌گاه تباین و تناقضی با مستقل بودن نداشته است به طور مثال همه ما از وابستگی و همسویی آلن رب‌گری به با سازندگان جریان رمان نو آلمانی هستیم ولی آیا می‌توانیم او را به شکلی که در ایران به عنوان محفل گرایی مطرح است متهم کنیم؟ . . . شاید تنها مورد واضحی که محفل گرایی باعث ایجاد تک صدایی طولانی مدتی در ادبیات شده است به وضعیت نویسندگان دولتی در شوروی سابق بازگردد که تکلیف‌ات آنها نیز به دلیل وضعیت خاص حکومت کمونیست شوروی مشخص است. در این چارچوب شاید نویسنده مستقل معنای ارزشی داشته باشد و نویسنده‌ای مانند بولگاکف –سوی ارزش‌های ادبی– نسبت به شولوخوف احترام– تاکید می‌کنم احترام – بیشتری در مخاطبان و علاقه‌مندان به ادبیات برانگیزد. چه در غیر این صورت مستقل بودن یا محفلی بودن هیچ‌گاه منجر به اثرش یا ضدارزش نشده است. اما در ایران این پدیده آنچنان حرف و حدیث‌ها و قول‌های مختلفی را در پی داشته و دارد که گاه موجب تغییر جایگاه ادبی و هنری یک نویسنده و شاعر شده است. این نگاه به‌گونه‌ای اشاعه پیدا کرده است که گاه برای تخطئه کردن یک نویسنده به کار رفته و در عین حال هیچ توجیه و منطق محکمی در آن پیدا نمی‌شود. شاید بتوان این قضیه را این‌طور توجیه کرد که بسیاری از چهره‌ها، نویسندگان و منتقدان امروزی با همان تعریف و معنایی به نقد و اعتراض نسبت به محفلی بودن می‌روند که براساس آن محفلی بودن در معنای چپ بودن است. پریبره نیست که بگویم، بسیاری از شکل‌های سازمان‌یافته گروهی در حزب توده در سال‌های دهه بیست بنیاد نهاد، از سوی دیگر وضعیت تراژیک برخی هم‌مسلمان فکری وابسته به

چپ‌ها مانند گروه ۵۳ نفر نیز باعث شد تا شکل محفل‌ها و سازمان آنها تحت تاثیر

آموزه‌های چپ باشد. در واقع در آن دوران اعم نویسندگان مترقی و تجدیدخواه یا وابستگی‌های حزبی داشتند و با هوارخواه الگوهای چپ‌گرا بودند، پس شکلی از محفل گرایی به وجود آمد (این امر تنها در ایران نبود بلکه در بسیاری از کشورهای جهان محافل نویسندگان پیشرو تمایلات چپ‌گرا داشتند که از مهمترین آنها می‌توان به سوررئالیست‌ها اشاره کرد.) تا قدرت حرکت جمعی بتواند در برابر صداهای متنوع و با ضدچپ بایستد. این نبرده که یکی از تبار‌ترین مفاهیم موجود در عیادت بسیاری از نویسندگان نوگرا بوده است بیشتر جنبه‌ای ادبی، هنری پیدا کرده است. در عین حال محفل گراها در مقابل دیدگرانی می‌ایستاده‌اند که آنها نیز تمایلات فکری و ادبی خود را داشته‌اند و همین نکته‌ها و رویرویی‌ها باعث انتشار انبوه آثاری به‌ویژه ادبیات مجامع شد. پس نویسنده محفلی‌ای امروز یک ضدارزش به حساب می‌آید لزوماً نویسنده‌ای نیست که برای حمایت از رفقا و دوستان خود بنویسد بلکه این مفهوم او را در مقامی قرار می‌دهد تا با استفاده از قدرتی که یک محفل ادبی– هنری قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم در اثر همسویی و تلاش‌های فردی هنرمندانی به وجود آمده‌اند که به دنبال ایجاد وضعیتی متفاوت با شرایط خاص خود بوده‌اند. در عین حال و بدون در نظر گرفتن چنین موقعیتی بوده‌اند نویسند و مخاطب وجود دارد. در عین حال محفل ادبی در ایران آنچنان تنوع فکری نداشتند زیرا می‌بینم که عده‌تويع آنها ایجاد گروه‌هایی برای رویارویی با سنت گرایان، نویسندگان مواجب‌بگیر و یا دولت‌هایی هستند که در برابر اعطای آزادی‌های ادبی، روی خوشی نشان نمی‌داده‌اند. ما می‌بینیم که با وجود تفاوت‌های فکری و ساختاری میان این گروه‌ها و نظری‌شان نیازمند قدرتی برآمده از جمع بوده‌اند. این امر بدیهی و تاریخی (که آنقدر مصداق‌های گوناگون دارد که نیزی به اشاره به آنها نمی‌بینم) هیچ‌گاه تباین و تناقضی با مستقل بودن نداشته است به طور مثال همه ما از وابستگی و همسویی آلن رب‌گری به با سازندگان جریان رمان نو آلمانی هستیم ولی آیا می‌توانیم او را به شکلی که در ایران به عنوان محفل گرایی مطرح است متهم کنیم؟ . . . شاید تنها مورد واضحی که محفل گرایی باعث ایجاد تک صدایی طولانی مدتی در ادبیات شده است به وضعیت نویسندگان دولتی در شوروی سابق بازگردد که تکلیف‌ات آنها نیز به دلیل وضعیت خاص حکومت کمونیست شوروی مشخص است. در این چارچوب شاید نویسنده مستقل معنای ارزشی داشته باشد و نویسنده‌ای مانند بولگاکف –سوی ارزش‌های ادبی– نسبت به شولوخوف احترام– تاکید می‌کنم احترام – بیشتری در مخاطبان و علاقه‌مندان به ادبیات برانگیزد. چه در غیر این صورت مستقل بودن یا محفلی بودن هیچ‌گاه منجر به اثرش یا ضدارزش نشده است. اما در ایران این پدیده آنچنان حرف و حدیث‌ها و قول‌های مختلفی را در پی داشته و دارد که گاه موجب تغییر جایگاه ادبی و هنری یک نویسنده و شاعر شده است. این نگاه به‌گونه‌ای اشاعه پیدا کرده است که گاه برای تخطئه کردن یک نویسنده به کار رفته و در عین حال هیچ توجیه و منطق محکمی در آن پیدا نمی‌شود. شاید بتوان این قضیه را این‌طور توجیه کرد که بسیاری از چهره‌ها، نویسندگان و منتقدان امروزی با همان تعریف و معنایی به نقد و اعتراض نسبت به محفلی بودن می‌روند که براساس آن محفلی بودن در معنای چپ بودن است. پریبره نیست که بگویم، بسیاری از شکل‌های سازمان‌یافته گروهی در حزب توده در سال‌های دهه بیست بنیاد نهاد، از سوی دیگر وضعیت تراژیک برخی هم‌مسلمان فکری وابسته به



مقدمه‌ای در باب محفل گرایی

تورا به دوئل دعوت می‌کنند

مهدی یزدانی خرم

بخش اول

نزدیک و همگنی داشته‌اند. از سوی دیگر محافل ادبی ایران در آن سال‌ها کمتر براساس ساختارهای روایی، زیبایی‌شناسانه و . . . تشکیل شده‌اند. در این معیار نوگرا بودن– حال به هر شکلی– می‌توانست یک هنرمند و نویسنده را در میان اعضای یک محفل نوگرا قرار دهد وگرنه‌ها کمتر مانند غربی‌ها محافلی داشته‌ایم که به صرف همسویی نویسندگان و اعضایش در باب یک قلم و ساختار هنری گردهم آمده باشند. همان‌طور که اشاره شد وضعیت‌های ناپس‌امان سیاسی– اجتماعی در کنار گفیر محفلی ادبی نقش پررنگ‌تری را ایفا کرده‌اند. به طور مثال از همنشینی نویسندگان متفاوتی مانند آل‌احمد، براهنی، شاملو، سپانلو، بهرام بیضایی و . . . کانون نویسندگان ایران متولد می‌شود در حالی که می‌دانیم اغلب این چهره‌ها از نظر نگاه ادبی چنان نزدیکی‌ای به هم نداشتند. پس سنت نویسندگان محفلی در سال‌های قبل از انقلاب، سنتی است مبتنی بر همفکری‌های سیاسی و گاه ایدئولوژیک که اغلب آنها در اصول اولیه ادبیات نوگرا با یکدیگر اتفاق نظر دارند. این مقدمه کوتاه در باب چگونگی شکل محافل ادبی ایران در سال‌های قبل از انقلاب، بیانگر این نکته است که به دلیل تولد و نوزایی ادبیات جدید ایران، اعم حامیان و همراهی طرفدار آن ناچار به همسویی‌هایی بوده‌اند که می‌توانسته هویت این ادبیات جدید را که ارگان‌های رسمی آن را برنمی‌تابانیدند به جامعه خود معرفی کند. چه در غیر این صورت با توجه به شناختی که از شخصیت و تفکر خاص و فردگرایی صادق هدایت و دست‌است، او هیچ‌گاه تن به برخی قواعد این نوع محافل آمیخته با سیاست نمی‌داد و به سمت آنها حرکت نمی‌کرد. اما با ظهور انقلاب نویسنده محفلی معنای دیگری پیدا می‌کند و امروزه است که اغلب منتقدان محفلی بودن بدون توجه به زیرساخت‌های ادبیات– که تیراژ و بازتاب متقل کرده بودند. در این دوره تازه تکروری‌های ادبی– به دلیل شرایط اجتماعی– نه تنها فایده‌ای نداشت بلکه موجب مرگ زودرس نویسندگان و شاعرانی شده بود که جامعه خسته ایران آماده شنیدن آرا و نظرات آنها نبود. به همین دلیل و به‌غیر از نویسندگان و شاعران تثبیت شده سال‌های گذشته جریان اصلی ادبیات ایران– که تیراژ و بازتاب بیرونی داشت– در اختیار نویسندگان متعدد و مکتبی‌ای بود که در سال‌های دهه شصت ظهور کرده و محافل رسمی‌تری مانند تقابلی‌های گاه خصمانه میان محافل، جزء ذات ادبیات است و روندی تاریخی و قابل درک و مطالعه دارد. در قسمت بعدی این مقاله به چگونگی محفل‌های نویسنده مستقل از دید منتقدان بیشتری پیدا کردند و کوشیدند تا آثار خود را به شکل جدی‌تری به جامعه معرفی کنند.



تضعیف شده‌های دهه شصت و چهره‌هایی مانند رضا براهنی، هوشنگ گلشیری، احمد شاملو، محمود دولت‌آبادی و . . . از حفظ کرده و به نسل جدید منتقل کرده بودند. در این دوره تازه تکروری‌های ادبی– به دلیل شرایط اجتماعی– نه تنها فایده‌ای نداشت بلکه موجب مرگ زودرس نویسندگان و شاعرانی شده بود که جامعه خسته ایران آماده شنیدن آرا و نظرات آنها نبود. به همین دلیل و به‌غیر از نویسندگان و شاعران تثبیت شده سال‌های گذشته جریان اصلی ادبیات ایران– که تیراژ و بازتاب بیرونی داشت– در اختیار نویسندگان متعدد و مکتبی‌ای بود که در سال‌های دهه شصت ظهور کرده و محافل رسمی‌تری مانند تقابلی‌های گاه خصمانه میان محافل، جزء ذات ادبیات است و روندی تاریخی و قابل درک و مطالعه دارد. در قسمت بعدی این مقاله به چگونگی محفل‌های نویسنده مستقل از دید منتقدان بیشتری پیدا کردند و کوشیدند تا آثار خود را به شکل جدی‌تری به جامعه معرفی کنند.

شاید یکی از نکاتی که سوءتفاهم‌های امروز را درباره محفلی بودن به‌وجود آورده است، به همین دوران بازمی‌گردد و آن اینکه نویسندگان احیا شده در نیمه دوم دهه هفتاد، خوانش غلطی از محفل ادبی ارائه دادند. در این خوانش رابطه شاگرد– استاد‌ای به‌وجود آمد که قرار بود ادامه پیدا کند. از سوی دیگر در راس قرار گرفتن چند نویسنده بر پهنه ادبیات ایران و ایجاد تفکری که شکلی هرم وار داشت، چنان تاثیر نامطلوبی به‌وجود آورد که برخی قرار است چاپ چهارم «شاه‌کلید» منتشر شود. رمان کوتاه «گاوخونی» توسط بهروز افخمی مورد انتیاسی بنیامی قرار گرفته و چاپ پنجم آن نیز سال گذشته عرضه شده است. وضعیت انتشار برخی کتاب‌های جعفر مدرس صادقی که همگی از سوی نشر مرکز منتشر شده‌اند، به این ترتیب است: «عرض حال»، «دیدار در حلب»، «قسمت دیگران و داستان‌های دیگر» (چاپ اول)، «کله اسب»، «شریک جرم»، «من تا صبح بیدارم»، «کنار دریا، سرخسعی، آزادی»، «آب و خاک» (چاپ دوم)، «آن طرف خیابان»، «دوازده داستان» و ترجمه «لاتاری، چخوف و داستان‌های دیگر» (چاپ سوم).

بیرون پریدن از سقف و باباچاهی

فارس: کتاب «بیرون پریدن از سقف»، دربرگیرنده مجموعه مقالات و گفت‌وگوهای «علی باباچاهی»، با مقدمه و گردآوری «مازیار نیستانی» توسط انتشارات «مفرغ نگار» منتشر و در نوزدهمین نمایشگاه تهران عرضه می‌شود. مازیار نیستانی اظهار داشت: مقالات این کتاب درباره نیما، شاملو، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری، نادر نادپور و منوچهر نیسانی نوشته شده است و یک سری از مقالات درباره وضعیت شعر دهه هفتاد و وضعیت «متفاوت» است. بخشی از این مقالات نیز راجع به سینما است. وی افزود: گفت‌وگوهای باباچاهی در این کتاب در سال‌های ۷۸ تا ۸۲ در مطبوعات به چاپ رسیده است. نیستانی ادامه داد: کتاب دیگری با نام «با شاعران امروز، بررسی شاعران متفاوت» در دست چاپ دارم. در این کتاب دو دسته از شاعران وجود دارند. یکی آن‌ه‌دای که در دهه ۷۰ شعر می‌سرودند و شعرشان متفاوت از دیگران بود. این شاعران آثارشان را کم چاپ می‌کردند. گروه دیگر شاعرانی هستند که در دهه ششاد ظهور کردند و به نوعی کارهای آنها نیز متفاوت است. وی گفت: این کتاب مقدمه‌ای دارد که رضا شمس‌ی آن را نوشته است.

هندوانه‌ها و قورباغه‌ها در بازار ادبیات

مهر: «هندوانه‌ها و قورباغه‌ها» عنوان مجموعه‌ای از هاپکوه‌ای ژاپنی است که توسط سیدعلی میرافضلی– شاعر معاصر– به زبان فارسی برگردانده و منتشر می‌شود. «هندوانه‌ها و قورباغه‌ها» از سروده‌های «کواپاشی ایسا» هاپکوسرای ژاپنی است که از سوی موسسه فرهنگی مفرغ منتشر می‌شود. میرافضلی می‌گوید اثری پژوهشی در مورد معرفی زندگی بیست و شش تن از شاعران قدیم کرمان را با عنوان «شاعران قدیم کرمان» ادامه‌چاپ دارد که از قرن ۸ تا ۶ هجری را در برمی‌گیرد. این شاعر معاصر مجموعه شعری را نیز آماده چاپ دارد که دربردارنده ۱۰۰ قطعه شعر در قالب اشعار نو است و برای چاپ هنوز به ناشر خاصی سپرده نشده است. آخرین اثر منتشر شده وی «گوشه نماشا» نام دارد که از سوی نشر کارزونی به چاپ رسیده است.

نخستین پنجشنبه هر ماه با ساعت شعر

ایلنا: خانه شعر بنیاد نویسندگان و هنرمندان وابسته به سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران نشست ماهانه شعرخوانی را با عنوان «ساعت شعر» پنجشنبه اول هر ماه برگزار می‌کند. این نشست‌ها ماهانه در کنار شعرخوانی شاعران جوان و پیشکسوت، بخش ویژه‌ای را به سخنرانی و بحث پیرامون شعر ایران و جهان اختصاص می‌دهد. در این نشست‌ها، «عبدالجبار کاکایی» و «علیرضا قزوه» حضور دارند. این نشست‌ها، ساعت ۱۷ در بنیاد نویسندگان و هنرمندان در خیابان اقدسیه، خیابان گلستان جنوبی، شماره ۲۲ برگزار می‌شود.

روایهای جنوبی در نمایشگاه کتاب

فارس: کتاب «روایهای جنوبی» نوشته «احمد اکبرپور» یکی از داستان بلند برای نوجوانان است، اسمال توسط انتشارات «دنادی (تربیت» در نمایشگاه کتاب عرضه می‌شود. احمد اکبرپور نویسنده کودک و نوجوان– با بیان اینکه این کتاب حدود ۷۰ صفحه‌است ۱۰ اظهار داشت: این کتاب داستان یک کودک روستایی ۱۰ ساله است. در هوشنگی خانه این کودک، زنی که شوهرش در دریا غرق شده زندگی می‌کند که هنوز فکر می‌کند کندهوش زنده است. این زن به کودک می‌گوید که نامه‌ای برایش بنویسد. وی ادامه داد: کودک طی نوشتن نامه تحت تاثیر روایها قرار می‌گیرد و در تخیلش ارتباطی میان کودک و مرد غرق شده به وجود می‌آید. از این نویسنده دو داستان «اگر من خلبان بودم» با تصویرگری «هدی حدادی» و «خبری ساکت با پرنده‌های شلوغ» با تصویرگری «مانلی منوچهری» توسط انتشارات «علمی فرهنگی» منتشر می‌شود.

سی‌امین حکایات سینما منتشر می‌شود

فارس: مجموعه داستان «سی‌امین حکایات سینا» نوشته «رضا مختاری» که دربرگیرنده ۸ داستان کوتاه است، توسط نشر «چشمه» منتشر می‌شود. رضا مختاری– داستان‌نویس– اظهار داشت: این کتاب که داستان‌هایش در فاصله سال‌های ۷۵ تا ۸۱ نوشته شده، اکنون در مرحله گرفتن مجوز نشر از وزارت ارشاد است. عناوین بعضی از داستان‌های این مجموعه عبارتند از: «برف»، «نون و درخت» و دیواری از علف کشیده به دور شهر». «سی‌امین حکایات سینا»، «یک نفر آن دورها می‌دود» و «دزدما» توسط انتشارات «سی‌امین» منتشر می‌شود. وی افزود: در داستان‌های این مجموعه تجربه‌های فرمی صورت گرفته است. دغدغه من در نگارش داستان‌های این مجموعه تجربه قلم‌های جدید داستان‌نویسی بوده است. اینکه از ساختارهای تثبیت شده روایت فاصله بگیریم. این داستان‌نویس به ناآنگی کتاب «چهار چار» را منتشر کرده است که گزیده‌ای از نثرهای گوناگون معاصر فارسی است. وی درباره این کتاب گفت: سعی کرده‌ام در این کتاب نثرهایی را جمع‌آوری کنم که کمتر به آنها توجه شده است. مختاری که سردبیر جنب «اروی» را به‌عهده دارد، در پایان از چاپ جلد پنجم «اروی» در آینده‌ای نزدیک خبر داد.

خبرها

جعفر مدرس صادقی سیزدهمین رمانش را منتشر می‌کند

ایستنا: جعفر مدرس صادقی به نوشتن رمان جدیدش مشغول است که تا پایان امسال منتشر می‌شود. این سیزدهمین رمان این داستان‌نویس خواهد بود. همچنین در نمایشگاه کتاب اسمال تجدید چاپ جدید سه کتاب او عرضه می‌شوند: «گاوخونی» به‌چاپ ششم و «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» به چاپ چهارم رسیده و همچنین قرار است چاپ چهارم «شاه‌کلید» منتشر شود. رمان کوتاه «گاوخونی» توسط بهروز افخمی مورد انتیاسی بنیامی قرار گرفته و چاپ پنجم آن نیز سال گذشته عرضه شده است. وضعیت انتشار برخی کتاب‌های جعفر مدرس صادقی که همگی از سوی نشر مرکز منتشر شده‌اند، به این ترتیب است: «عرض حال»، «دیدار در حلب»، «قسمت دیگران و داستان‌های دیگر» (چاپ اول)، «کله اسب»، «شریک جرم»، «من تا صبح بیدارم»، «کنار دریا، سرخسعی، آزادی»، «آب و خاک» (چاپ دوم)، «آن طرف خیابان»، «دوازده داستان» و ترجمه «لاتاری، چخوف و داستان‌های دیگر» (چاپ سوم).

بیرون پریدن از سقف و باباچاهی

فارس: کتاب «بیرون پریدن از سقف»، دربرگیرنده مجموعه مقالات و گفت‌وگوهای «علی باباچاهی»، با مقدمه و گردآوری «مازیار نیستانی» توسط انتشارات «مفرغ نگار» منتشر و در نوزدهمین نمایشگاه تهران عرضه می‌شود. مازیار نیستانی اظهار داشت: مقالات این کتاب درباره نیما، شاملو، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری، نادر نادپور و منوچهر نیسانی نوشته شده است و یک سری از مقالات درباره وضعیت شعر دهه هفتاد و وضعیت «متفاوت» است. بخشی از این مقالات نیز راجع به سینما است. وی افزود: گفت‌وگوهای باباچاهی در این کتاب در سال‌های ۷۸ تا ۸۲ در مطبوعات به چاپ رسیده است. نیستانی ادامه داد: کتاب دیگری با نام «با شاعران امروز، بررسی شاعران متفاوت» در دست چاپ دارم. در این کتاب دو دسته از شاعران وجود دارند. یکی آن‌ه‌دای که در دهه ۷۰ شعر می‌سرودند و شعرشان متفاوت از دیگران بود. این شاعران آثارشان را کم چاپ می‌کردند. گروه دیگر شاعرانی هستند که در دهه ششاد ظهور کردند و به نوعی کارهای آنها نیز متفاوت است. وی گفت: این کتاب مقدمه‌ای دارد که رضا شمس‌ی آن را نوشته است.

هندوانه‌ها و قورباغه‌ها در بازار ادبیات

مهر: «هندوانه‌ها و قورباغه‌ها» عنوان مجموعه‌ای از هاپکوه‌ای ژاپنی است که توسط سیدعلی میرافضلی– شاعر معاصر– به زبان فارسی برگردانده و منتشر می‌شود. «هندوانه‌ها و قورباغه‌ها» از سروده‌های «کواپاشی ایسا» هاپکوسرای ژاپنی است که از سوی موسسه فرهنگی مفرغ منتشر می‌شود. میرافضلی می‌گوید اثری پژوهشی در مورد معرفی زندگی بیست و شش تن از شاعران قدیم کرمان را با عنوان «شاعران قدیم کرمان» ادامه‌چاپ دارد که از قرن ۸ تا ۶ هجری را در برمی‌گیرد. این شاعر معاصر مجموعه شعری را نیز آماده چاپ دارد که دربردارنده ۱۰۰ قطعه شعر در قالب اشعار نو است و برای چاپ هنوز به ناشر خاصی سپرده نشده است. آخرین اثر منتشر شده وی «گوشه نماشا» نام دارد که از سوی نشر کارزونی به چاپ رسیده است.

نخستین پنجشنبه هر ماه با ساعت شعر

ایلنا: خانه شعر بنیاد نویسندگان و هنرمندان وابسته به سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران نشست ماهانه شعرخوانی را با عنوان «ساعت شعر» پنجشنبه اول هر ماه برگزار می‌کند. این نشست‌ها ماهانه در کنار شعرخوانی شاعران جوان و پیشکسوت، بخش ویژه‌ای را به سخنرانی و بحث پیرامون شعر ایران و جهان اختصاص می‌دهد. در این نشست‌ها، «عبدالجبار کاکایی» و «علیرضا قزوه» حضور دارند. این نشست‌ها، ساعت ۱۷ در بنیاد نویسندگان و هنرمندان در خیابان اقدسیه، خیابان گلستان جنوبی، شماره ۲۲ برگزار می‌شود.

روایهای جنوبی در نمایشگاه کتاب

فارس: کتاب «روایهای جنوبی» نوشته «احمد اکبرپور» یکی از داستان بلند برای نوجوانان است، اسمال توسط انتشارات «دنادی (تربیت» در نمایشگاه کتاب عرضه می‌شود. احمد اکبرپور نویسنده کودک و نوجوان– با بیان اینکه این کتاب حدود ۷۰ صفحه‌است ۱۰ اظهار داشت: این کتاب داستان یک کودک روستایی ۱۰ ساله است. در هوشنگی خانه این کودک، زنی که شوهرش در دریا غرق شده زندگی می‌کند که هنوز فکر می‌کند کندهوش زنده است. این زن به کودک می‌گوید که نامه‌ای برایش بنویسد. وی ادامه داد: کودک طی نوشتن نامه تحت تاثیر روایها قرار می‌گیرد و در تخیلش ارتباطی میان کودک و مرد غرق شده به وجود می‌آید. از این نویسنده دو داستان «اگر من خلبان بودم» با تصویرگری «هدی حدادی» و «خبری ساکت با پرنده‌های شلوغ» با تصویرگری «مانلی منوچهری» توسط انتشارات «علمی فرهنگی» منتشر می‌شود.

سی‌امین حکایات سینما منتشر می‌شود

فارس: مجموعه داستان «سی‌امین حکایات سینا» نوشته «رضا مختاری» که دربرگیرنده ۸ داستان کوتاه است، توسط نشر «چشمه» منتشر می‌شود. رضا مختاری– داستان‌نویس– اظهار داشت: این کتاب که داستان‌هایش در فاصله سال‌های ۷۵ تا ۸۱ نوشته شده، اکنون در مرحله گرفتن مجوز نشر از وزارت ارشاد است. عناوین بعضی از داستان‌های این مجموعه عبارتند از: «برف»، «نون و درخت» و دیواری از علف کشیده به دور شهر». «سی‌امین حکایات سینا»، «یک نفر آن دورها می‌دود» و «دزدما» توسط انتشارات «علمی فرهنگی» منتشر می‌شود. وی افزود: در داستان‌های این مجموعه تجربه‌های فرمی صورت گرفته است. دغدغه من در نگارش داستان‌های این مجموعه تجربه قلم‌های جدید داستان‌نویسی بوده است. اینکه از ساختارهای تثبیت شده روایت فاصله بگیریم. این داستان‌نویس به ناآنگی کتاب «چهار چار» را منتشر کرده است که گزیده‌ای از نثرهای گوناگون معاصر فارسی است. وی درباره این کتاب گفت: سعی کرده‌ام در این کتاب نثرهایی را جمع‌آوری کنم که کمتر به آنها توجه شده است. مختاری که سردبیر جنب «اروی» را به‌عهده دارد، در پایان از چاپ جلد پنجم «اروی» در آینده‌ای نزدیک خبر داد.